

نگاهی به نسخه نادر خطی «سفینه عشرت» نوخته دُرگا داس «عشرت هندی»

محمد صادق حسین*

هند، بدون شک و تردید، در پیشرفت و ترویج زبان فارسی نقش مهمی ایفا نموده است و گنجینه گران بها و ذی قیمت به این زبان اعطا نموده که در نگاه دوستداران و پاسداران فارسی پنهان نیست. ولی قسمت اعظم این کارها در شکل نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های هند چون کتابخانه خدابخش پتنا، کتابخانه رضا رامپور، موزه سالار جنگ، موزه ملی، دهلی نو و... نگهداری می‌شوند که محتاج تدوین و تألیف‌اند. «سفینه عشرت» تذکره فارسی، یکی از آنها است که در کتابخانه خدابخش پتنا نگهداری می‌شود.

این نسخه خدابخش تنها نسخه‌ای است که در این کتابخانه وجود دارد و مشتمل بر ۲۶۲ صفحه است و ناقص الاوسط است و پیمایش آن ۷×۱۱/۲۵ و ۵×۹ است و هر صفحه این نسخه ۱۷ سطر دارد. این تذکره در مورد ۵۴۰ شاعر فارسی حرف می‌زند و ترتیب آن الفبایی است و این نسخه خدابخش بر «فریدون سابق» ختم می‌شود. از این رو هویدا می‌شود این نسخه جلد اول است و جلد دوم هم دارد که درباره آن هیچ اطلاعاتی به دست نیست. این جلد اول فقط یک نسخه دارد که در همین کتابخانه نگهداری می‌شود و احمد گلچین معانی و دکتر علی رضا نقوی و استوری از همین نسخه استفاده نموده‌اند.

* استادیار فارسی دانشگاه پتنا، پتنا.

نویسنده این تذکره دُرگا داس عشرت هندی در قرن دوازدهم هجری/هجدهم میلادی زندگی می‌کرد. تذکره وی مشتمل بر شاعران قدیم و هم‌عصر اوست. ولی جای تأسّف است که درباره خود نویسنده در تذکره‌ای اطلاعاتی نیست. پس از مطالعه دیباچه این تذکره چند از اطلاعات درباره نویسنده برآورده شده که از این قرار است:

”دُرگا داس نام تَخَلُّصِ او «عشرت» و پدرش مهته شیو سنگر ناگر بود“^۱.

«سَفینَةُ عشرت» تذکره سَوَم است که به‌توسط یک عالم هندو نوشته شده است، قبل از آن تنها دو تذکره «همیشه بهار» از «اخلاص» و «سَفینَةُ خوشگو» از «خوشگو» که عالم هندو بودند، نوشته شدند.

در مورد تاریخ تولّد او از نام «سَفینَةُ عشرت» مدد گرفته شده است. عشرت می‌نویسد:

”اگر سَفینَةُ عشرت نامیده شود بی‌سبب نیست و تاریخ هم اگر از نامش برآید خالی از عذر نیست“^۲.

یعنی «سَفینَةُ عشرت» نام تاریخی این

تذکره است و از آن ۱۱۷۵ هجری برمی‌آید و نویسنده این تذکره را در سن چهل سالگی نوشته است که خود او می‌نویسد:

”از طلوع صبح شعور که تا حال پیمایش مرحله اربعین از مراحل حیاتست“^۳.

به‌همین دلیل سال تولّد او ۱۱۳۶ هجری به‌میزان می‌آید و این همان زمان است زمان زوال مغولان هند است. زمام دولت مغولیه به‌دست محمّد شاه بود و ملوک الطوائفی و اغتشاشی هر سو پیدا بود.

عشرت به‌طبق زمان خود تحصیل علم کرد و از استادان مشهور آن زمان کسب علم نمود و در آن نام سراج‌الدین علی آرزو سرفهرست است و زیاد اهمیّت دارد، چنانچه احمد گلچین معانی می‌نویسد:

۱. عبارت نویسنده چنین است «فقیر حقیر ضعیف‌النّاس دُرگا داس بن مهته سنگر ناگر» (دیباچه سَفینَةُ عشرت، نسخه قلمی، کتابخانه خدابخش، ق ۳).
۲. عشرت هندی، دُرگا داس: سَفینَةُ عشرت (خطی)، شماره ۶۹۹، گنجینه بانکی‌پور، کتابخانه عمومی خاورشناسی خدابخش، پتنا، دیباچه.
۳. همان.

«مؤلف که شرح حالش به دست نیامده، ظاهراً از شاگردان سراج‌الدین علی خان آرزو بوده، زیرا که ترجمه و منتخبات اشعار را از همه مفصل‌تر آورده است»^۱. این حقیقت است که «عشرت» در تذکره خود مفصل‌ترین احوال را در مورد سراج‌الدین خان آرزو نوشته است. از ورق ۷۳ تا ۱۰۶ بر احوال و آثار آرزو مشتمل است، ولی نکته تذکر این است که نویسنده درباره تلمذ خود به او هیچ‌جا ذکر نکرده است، در حالی که درباره دیگران که از آنان استفاده نموده است بیان کرده است. چون درباره استادان دیگر می‌نویسد که او از رای پیران ناته آرام (ابن «عاصی» اکثر به جهت حصول استفاده در خدمت آن بزرگوار حاضر می‌شد و از بس تفصیلات کریمانه بذل توجه فرمودند^۲.)، لاله سروپ سنگه «انس» (فقیر راقم در خدمت ایشان بندگی راست^۳)، لاله سری گوپال تمیز (این ذره بی‌مقدار در عهد محمد شاهی از آنجناب استفاده بعضی کتب هندی می‌نمود^۴) و مهته تر سنگه داس «خاکی» (فقیر راقم در خدمت آن بزرگوار بندگی بود و بسیار توجه می‌فرمود^۵) استفاده نموده‌اند. در معاصران «عشرت» رای هر نراین «آشنا»، لاله اجیت سنگه لاله تربهی رام بیباک (از برادران و اخلاصمندان صمیمی این خاکسار بود^۶). رای گوپی ناته و مرزا محمد محسن «تأثیر» (با این خاکسار صلیق دیرینه بود^۷) قابل ذکراند.

«سفینه عشرت» تذکره مهمی است که در قرن هجدهم میلادی نوشته شده است، چنانچه تذکره‌نویسی در هند در زمان سلاطین شروع شد و دو تذکره مهم فارسی «لباب الالباب» از عوفی و «تذکره الشعراء» از دولت شاه سمرقندی در این زمان نوشته شدند و همین دو تذکره برای آیندگان سرمشق شدند. سپس در دور مغولیه تذکره‌های

۱. گلچین تهرانی، احمد گلچین معانی بن علی اکبر (ت: ۱۲۹۵ ش): تاریخ تذکره‌های فارسی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۸ ه.ش، ج ۱، ص ۷۲۵.

۲. عشرت هندی، ڈرگا داس: سفینه عشرت (خطی)، شماره ۶۹۹، گنجینه بانکی پور، ق ۵۱.

۳. همان، ق ۵۱ ب.

۴. همان، ق ۱۴۹، س ۱۲.

۵. همان، ق ۲۱۲، س ۳.

۶. همان، ق ۱۱۵، س ۱۳.

۷. همان، ق ۱۴۰، س ۱.

گونگون نوشته شدند، ولی نکته جالب این است که تذکرةهای این زمان درباره هند است و دیگر این که عالمان هندو هم تذکرة مهمی نوشتند. در ضمن «همیشه بهار» از کشن چند «اخلاص» (۱۱۱۶ هـ/۱۷۰۴ م) «سفینه خوشگو» از بندر این داس خوشگو (۱۱۴۷ هـ/۱۷۳۴ م)، «سفینه عشرت» از ڈرگا داس «عشرت» (۱۱۷۵ هـ/۱۷۶۱ م)، «گل رعنا» و «شام غریبان» از لچهمی نراین «شفیق» (۱۱۸۲ هـ/۱۷۶۸ م)، «انیس الاحباء» از موهن لعل «انیس» (۱۱۹۷ هـ/۱۷۸۳ م) و «سفینه هندی» از بهگوان داس هندی قابل ذکراند. «سفینه عشرت» تذکرة سوم است که به توسط یک عالم هندو نوشته شده است، قبل از آن تنها دو تذکرة «همیشه بهار» از «اخلاص» و «سفینه خوشگو» از «خوشگو» که عالم هندو بودند، نوشته شدند. ولی در بین این تذکرةها «سفینه عشرت» واجد اهمیت زیادی است. اول این که انتخاب اشعار شاعران زیاد نقل شده است. چون ملّا محمد سعید اشرف (۴۸-۳۶: ۹ صفحه)، انوری (۶۸-۶۳: ۶ صفحه)، خان آرزو (۱۰۶-۷۳: ۳۴ صفحه)، لاله نرہی رام «بیباک» (۱۲۳-۱۱۵: ۹ صفحه)، «بیدل» (۱۳۹-۱۲۵: ۱۵ صفحه)، داراب بیگ «جویا» (۱۷۲-۱۶۸: ۶ صفحه)، «حزین» (۲۰۱-۱۸۶: ۲۶ صفحه) و غیره. نکته جالب این تذکرة این است که بعضی از اشعار که در دیوان شاعر نیست ولی «عشرت» او را نقل کرده است. مثلاً ملّا محمد سعید اشرف که اشعار زیر در دیوان خطی که در خدابخش است در آن نیست:

سرمه چشم است چشم از وضع عالم دوختن

فرش خواب از پرده‌های دیده باشد خواب را

چشم شوخ آخر ترش رو کرد دلدار مرا

سرکه می‌سازد نمک آخر شراب ناب را^۱

*

به‌هرزه چرخ مکن در ره طلب دم را که آبرو بود آب حیات آدم را

از برق زر شراره توان گفت خواجه را چرخ پر از ستاره توان گفت خواجه را^۲

*

۱. عشرت هندی، ڈرگا داس: سفینه عشرت (خطی)، شماره ۶۹۹، گنجینه بانکی پور، ق ۱۴۰، س ۱.

۲. همان.

می‌پرستم در دل می‌کرده‌ام جان چو حباب بر نمی‌دارم نظر از روی صهبا چون حباب
در جهان جا دارم اما از جهانم بی‌نیاز ساغرم خالی مرا در باده ما چون حباب^۱

*

گر رود شنا آن شوخ سیمین بر در آب آب گردد باز دیگر از حنا گوهر در آب
بی‌نیاز از غیر دارد جوهر ذاتی مرا از جلای خویش باشد ماهی خنجر در آب^۲
«سفینه عشرت» آگاهی خوبی درباره اوضاع ادبی و فرهنگی آن زمان می‌دهد، زیرا
که در بیان احوال شاعران بعضی واقعات آمده‌اند که دارای اهمیت تاریخی است. دیگر
مختصات امتیازی این تذکره این است که نویسنده ۱۹ شاعر هندو را ذکر کرده است که
برخی از آنها در تذکره‌های بعدی یافته نمی‌شود. این شاعران از این قراراند:

- | | |
|---------------------------|-----------------------------|
| ۱- رام هر نراین آشنا | ۲- رای پَران ناتھ آرام |
| ۳- لاله اجیت سنگھ | ۴- لاله سروپ سنگھ انس |
| ۵- رای چندربهان برهمن | ۶- سرمدان بیگ برهمن |
| ۷- لاله نربھی رام بیباک | ۸- سداند بی تکلف |
| ۹- بهوپت رای بیراگی بیغم | ۱۰- لاله سری گوپال تمیز |
| ۱۱- رای گویی ناتھ جمعیت | ۱۲- لاله شیو رام داس حیا |
| ۱۳- مهته تر سنگھ داس خالی | ۱۴- لاله بندرابین داس خوشگو |
| ۱۵- دیاپت رای کھتری | ۱۶- لاله سروپ سنگھ دیوانه |
| ۱۷- رای منوهر | ۱۸- لاله دیبی سهای رفیق |
| ۱۹- لاله سُّکھ راج شفقت | |

بیشتر آنان هم عصر «عشرت» بودند. درحالی که در کتاب^۳ سید عبدالله فقط تذکره نه
شاعر است.

دُرگا داس عشرت واقعات، حادثات و اقوال تذکره‌های دیگر را درآورده، راهی نو
به پژوهش، باز کرده است. چنانچه در مورد وطن انوری نوشته است:

۱. همان.

۲. عشرت هندی، دُرگا داس: سفینه عشرت (خطی)، شماره ۶۹۹، گنجینه بانکی پور، ق ۱۴۰، س ۱.

۳. خانلری، دکتر زهرا: فرهنگ ادبیات فارسی دری، انتشارات بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۳۴۸ ش.

”دولت شاه اصل وی از ده بدنه نوشته است و از بعضی از اشعار وی چنان معلوم می‌شود که از مهنه است.“
 دربارهٔ مرزا جعفر قزوینی، آصف خان قزوینی نوشته است که اینان دو کس هستند:
 ”مرزا جعفر قزوینی، آصف خان قزوینی دیگر است و این دیگر.“ (ق ۱۶۱، س ۱۴).

شاعران زیادی با تخلص «زلالی» هستند ولی نویسنده آنها را این‌طور بیان نموده است که هیچ‌اشتباهی در ذهن نمی‌ماند، او می‌نویسد:
 ”مخفی نماند که چند کس زلالی تخلص دارند یکی آن‌که گذشت (یعنی زلالی خوانساری)، دوّم خراسانی که در عهد سلطان حسین بایقرا بود و زلالی تبریزی که امیر علی شیر در مجالس احوالش نوشته و چهارم زلالی ارکنی که او هم معاصر تقی اوحدی بود. لیکن هیچ‌یک به زلالی خوانساری نمی‌رسد.“ (ق ۲۴۶ ب، س ۱۶)

بعضی جاها «عشرت» آگاهی‌های تذکره‌های دیگر را به اغلاط قرار داده است. مثلاً نویسنده «طبقات شاهجهانی» یادگار بیگ‌حالتی از نسل سلطان سنجر پیوست کرده است، درحالی‌که عشرت این را از دریافت به قبیله چغتای مربوط کرده است، عبارت چنین است:

”اگرچه صاحب «طبقات شاهجهانی» نوشته که حالتی خود را از نسل سلطان سنجر می‌گرفت، لیکن بدریافت رسید که از طایفه چغتای است.“ (ق ۱۸۴ ب، س ۱)

عشرت در فراهم آوردن احوال بعضی از شاعران خیلی زحمت کشیده است. او دربارهٔ ملّا ذهنی می‌نویسد:

”از احوال او اطلاع نیست. این قدر از کلیاتش ظاهر می‌گردد.“ (ق ۲۳۴، س ۱۱)
 او پیدا نشدن تاریخ وفات برخی از شاعران وقایع تاریخی را به نظر داشته باهم مطابقت داده، تاریخ وفات شاعر را متعین ساخته است. چنان‌چه دربارهٔ وفات رودکی می‌نویسد:

«اگرچه سال وفاتش به تحقیق نرسیده، لیکن وفات ابوالحسن نصر بن احمد اسمعیل که از آل سامان سلطنت بخارا داشت و ممدوح استاد بود، در سیصد و پنجاه و سوم هجری است، زمان ظهور او از آن توان دریافت که پایه چهارم بود.» (ق ۲۲۸، س ۱)

دوران مطالعات تذکره‌های گوناگون نکته‌ای که قابل اعتراض است آن را در تذکره خود اشاره کرده است. چنانچه صاحب «هفت اقلیم» یک رباعی را به دو شاعر منسوب داده است، «عشرت» آن را توضیح داده می‌نویسد:

«هرچند که دل به وصل شادان کردیم دیدیم و خاطرت پریشان کردیم
خوش باش که ما خوی به همراه کردیم بر خود دشوار بر تو آسان کردیم
این رباعی در «هفت اقلیم» بنام شیخ جمال‌الدین گیلانی نوشته و عجب‌تر آن که هم در آن کتاب به نام ابوسعید ابوالخیر به نظر آمده.»

«هفت اقلیم» شعری را به سکندر لودی مربوط کرده است درحالی که تذکره‌نگاران زیادی وی را به‌ملاً جمالی دهلوی منسوب کرده‌اند. چنانچه در مورد «عشرت» می‌نویسد:

«زاهد به طعنه گفت که روی بتان مبین ای بی‌تمیز دیده بینا برای چیست
این مطلع در اکثر مجموعه‌ها به نام وی (ملاً جمالی دهلوی) نوشته‌اند و صاحب
«هفت اقلیم» بنام سلطان سکندر لودی که گلرخی تخلص می‌کرد و از شاگردان
جمالی است.» (ق ۱۶۲ ب، س ۶)

«عشرت» در این تذکره خود مانند تذکره‌های دیگر بر اشعار شاعر نظریات خود را هم اظهار داشته است. اکثر او در یک دو جمله تأثرات خودش را داده است و بعضی جاها در تفصیل هم - مثال‌های چند در زیر نقل می‌شود:

واله اصفهانی:

«اکثر اشعار بلند و موحدانه دارد.» (ق ۳۳ ب، س ۵)

اهلی خراسانی:

«غرض که شاعر زبردست خوب گو است.» (ق ۳۵ ب، س ۷)

اشراق:

”با وجود کمال فضل و کثرت مشاغل و وفور درستی و تعلیم تلامذه، نظم اشعار مبین تمام داشت و پیوسته رایت فصاحت و علم بلاغت می‌افراشت.“ (ق ۴۷، س ۶)

امیر قاضی امیری:

”شاعر خوش فکر بود.“ (ق ۵۱)

میرزا جلال اسیر شهرستانی:

”به‌همه حال شاعر نازک خیال، بلند تلاش خوب زبان، عالی فکر، والادستگاه بود. در شعر مشرب خاص دارد، بلکه از اساتذده این فن است. چه امروز در سخنوران دو فرقه است یکی تابع طرز میرزا اسیر و دویمی متبع مرزا صائب و این که اکثر می‌گویند که در شعرش رطب و یا بسی است. سبب آن چنین شنیده که در وقت فکر شعر دور نگه خوش کفا و خوش طبع به‌خدمتش دست بسته حاضری می‌بودند. مرزا هر شعری که تازه بر روی کار می‌آورده به‌آنها می‌فرمود که می‌نوشتند خودش نظر ثانی ندیده و به‌گرد آن نگردیده. از این جهت در دیوان او اکثر اشعار که بعد تأمل بسیار معنی آن دست دهد یا ندهد، یافته می‌شود.“ (ق ۶۰ ب)

«بیدل»:

”مجمع جمیع فنون شعر چه غزل و چه مثنوی و چه رباعی. شعر او را طرز خاصی است و در نثر بی‌تمثیل و بی‌نظیر است. هرچند سخن را به‌جایی رسانیده که چون شعر حافظ شیراز انتخاب ندارد.“ (ق ۱۲۶ ب، س ۱۷)

میر محمد علی رایج:

”در دیوان او بسیار معانی غریب یافته می‌شود آن هم طرحان او را کم اتفاق افتاده... اکثر زمین غزل‌های او طرحی خود داشت و در بحور غیرمتعارف که میرزا بیدل گفته اکثر غزل‌ها گفته و خوب گفته و داد تلاش داده.“ (ق ۲۳۸،

س ۱۵)

این‌گونه نظر نقدی وی زیاد در این تذکره به‌نظر می‌آید که از امثال دیگر صرف

نظر می‌شود.

دُرگا داس دوران تألیف و ترتیب این تذکره از مراجع و مصادر گوناگون استفاده نموده و جابه‌جا حواله آن هم نقل کرده است. از این رو ظاهر می‌شود که نویسنده در تألیف خیلی زحمت کشیده و پس از تلاش و کوشش فراوان احوال شاعران را فراهم کرده است. بعضی جاها در تذکره نوشته است که در جستجوی اشعار شاعران خیلی زیاد زحمت شده است. او درباره ابوالحسن بیگانه می‌نویسد:

”شعرش بسیار کم به نظر آمده به قدر یک و پنجم جزوی دیده، انتخاب نموده، بسیار دقت به کار می‌برد.“ (ق ۱۱۱، س ۱۴)

از این‌گونه کلمات نویسنده هویدا می‌شود که او خیلی تلاش کرده و از کتاب‌های گوناگون استفاده نموده است. «عشرت» کتاب‌هایی را در تذکره خود به‌طور حواله آورده است که فهرست آن در زیر نقل می‌شود که خود نویسنده در مورد آن بیان نموده است.

۱. اخبارالاخیار/عبدالحق: ذکرش «میر احسن ایجاد» در اخبارالاخیار مسطور است. (ق ۶۸ ب، س ۱۰)
۲. اقبال‌نامه جهانگیری/شریف بن معتمد خان: چنانچه احوالش «عبدالرحیم خان خان‌خانان» در اقبال‌نامه جهانگیری مندرج است (ق ۲۲۸، س ۵)
۳. اقلیدس/ملّا بقایی انوار: اقلیدس... از تصنیفات او (ملّا بقایی انوار) است.
۴. بقیه خلاصه کونین: تمام انتخاب دواوین فصحا منتخب نموده بقیه خلاصه کونین نام نهاد.
۵. تاریخ میر محمد احسن ایجاد: به نوشتن تاریخ معمور گردیده چنانچه احوال هفت ساله از آغاز جلوس «فرخ‌سیر» تا هنگام مثل در نثر به فصاحت نوشته. (ق ۶۸ ب، س ۱۰)
۶. تاریخ همایونی: احوالش «عبدالکریم رافعی» در تاریخ همایونی مسطور است. (ق ۲۲۸، س ۴)
۷. تحفه سامی/سام مرزا: جناب مرزا سام در تحفه می‌نویسد که مولانای مذکور «احمد شیرازی» اندک مثنوی داشت. (ق ۲۴۶ ب، س ۵)
۸. تحفه العراقین/خاقانی: در تحفه العراقین اظهاری بدان نموده است. (ق ۲۰۶ ب، س ۵)

۹. تذکرة الاولياء/عطار: احوال آن جناب «ابوسعید ابوالخیر» مشروحاً در تذکرة الاولياء مرقوم است. (ق ۳۳ ب، س ۱۱)
۱۰. تذکرة الشعراء/تقی اوحدی: تذکرة الشعراء تا عهد اکبری گفته. (ق ۶۰)
۱۱. تذکرة الشعراء/دولت شاه سمرقندی: دولت شاه اصل وی انوری از ده بدنه نوشته. (ق ۶۳)
۱۲. تذکرة المعاصرين/حزین: در این ولا تذکرة المعاصرين شیخ محمد علی حزین سلمه الله تعالی به نظر قاصر رسیده. (ق ۱۴۰، ص ۱)
۱۳. جنگ نامه میان سرخوش: چنانچه میان سرخوش در جنگ نامه با احوال او «قطب الدین محمد اعظم» گفته. (ق ۱۸ ب، ص ۱۲)
۱۴. حبیب السیر/غیاث الدین: مولانا زالی از شعرای صاحب حبیب السیر است. (ق ۲۴۶)
۱۵. حدایق السحر/وطواط: و حدایق السحر در صنایع سخن از تصانیف اوست. (ق ۲۲۸، س ۱۵)
۱۶. دیوان ابوسعید ابوالخیر: گویند دیوان آن دو هزار بیت است. از آن جاست. (ق ۳۳ ب، س ۱۱)
۱۷. دیوان باقرای خلیل: دیوانش چهارده هزار بیت و همه خوب. (ق ۲۱۰، س ۱۰)
۱۸. دیوان بسحق اطعمه: سوای تعریف طعام در دیوانش به نظر نیامده. (ق ۱۲۴ ب، س ۳)
۱۹. دیوان بینش: دیوانش به نظر آمده. (ق ۱۰۹ ب، س ۶)
۲۰. دیوان تنها: دیوانی پر از مضامین تازه یادگار گذاشته. خیلی به تازگی و نازگی حرف می زند. (ق ۱۴۴، س ۶)
۲۱. دیوان ثانی خان هروی: دیوان مختصری دارد از آن جاست. (ق ۱۶۱، س ۳)
۲۲. دیوان چندر بهان برهمن: و این مطلع دیوان اوست. (ق ۱۱۴ ب، س ۳)
۲۳. دیوان خواجه حسین ثنایی: دیوان غزل و رباعی و قصاید و مثنوی... زبان خاص و عام است. (ق ۱۵۱، س ۱۳)
۲۴. دیوان درویش سقا چغتایی: دیوانی قریب چهار هزار بیت دارد. درویشانه می گوید. (ق ۲۴۹ ب، س ۱۰)

۲۵. دیوان رشید وطواط: دیوان شعرش بیشتر از هفت هزار به نظر نیامده. (ق ۲۲۸، س ۱۵)
۲۶. دیوان ابوتراب بیگ رنجدانی: دیوانش به قدر هزار بیت مقدار است. (ق ۴۹)
۲۷. دیوان میر مفاخر حسین ثاقب: دیوان مختصر دارد، از آن جاست. (ق ۱۶۱، س ۳)
۲۸. رساله علم صرف/ثانی خان هروی: در علم صرف رساله منظوم ساخته. (ق ۱۶۱، س ۳)
۲۹. ساقی نامه/تقی اوحدی: و ساقی نامه هم فکر کرده. (ق ۶۰)
۳۰. سفینه خوشگو/بندرابن داس خوشگو: بندرابن داس خوشگو تذکره نویس تاریخش «میر افضل ثابت» گفته. (ق ۱۵۳، ب، س ۱)
۳۱. شاهنامه بسحق اطعمه: (ق ۱۲۴، ب، س ۳)
۳۲. فرهنگ سروری/سروری: فرهنگ سروری از تصنیفات اوست. (ق ۲۴۹، ب، س ۱۱)
۳۳. کلیات شفیعی اثر کلیات مختصری دارد. (ق ۲۴، ب)
۳۴. کلیات بیدل: کلیات ایشان نظماً و نثراً که از صد هزار و بیش از صد هزار و بیش از نود هزار است. (ق ۱۲۶، ب، س ۱۷)
۳۵. کلیات ملّا ذهنی: این قدر از کلیاتش می‌گردد. کلیاتش قریب ده هزار بیت باشد در اکبرآباد به نظر آمده در این ولا انتخاب آن نوشته می‌شود. (ق ۲۲۴، س ۱۱)
۳۶. لطایف و ظرایف: صاحب لطایف و ظرایف می‌نویسد. (ق ۶۳)
۳۷. مآثر رحیمی/آقا عبدالباقی باقی «تاریخ عظمی مسمی به مآثر رحیمی متضمن احوال عبدالرحیم خان خانانان... به عبارت سلیس بر صفحه روزگار نوشته. (ق ۱۰۸، س ۸)
۳۸. مثنوی باغ ارم/خواجه حسین ثنایی: مثنوی مسمی به باغ ارم... زبانزد خاص و عام است. (ق ۱۵۱، س ۱۳)
۳۹. مثنوی بینش: مثنوی دارد در تعریف کشمیر. (ق ۱۰۹، ص ۶)
۴۰. مثنوی حسن یوسف/بپردستان: مثنوی حسن یوسف نام بنام یوسف محمد خان این‌که به قدرت گفته. (ق ۱۰۹، س ۱۷)

۴۱. مثنوی حکیم ابوالفتح: مثنوی در جواب مخزن الاسرار و تحفة العراقین گفته. (ق ۴۹)
۴۲. مثنوی در تاریخ مطبخ/ارجمند جنون: مثنوی در تعریف و دستارخوان نواب مذکور گفته، انتخاب زده نوشته می شود. (ق ۱۶۴، ص ۵)
۴۳. مثنوی زادالمسافرین/میر جایی: من مثنوی زادالمسافرین. (ق ۱۷۴ ب، س ۴)
۴۴. مثنوی سحر حلال/اهلی شیرازی: یکی از شواهد پیغمبری شعری مثنوی سحر حلال است. (ق ۳۶، س ۷)
۴۵. مثنوی سر سکندر/خواجه حسین ثنایی: و مثنوی دیگر سر سکندر نام زد خاص و عام است. (ق ۱۵۱ ب، س ۱۳)
۴۶. مثنوی سلطان علی بیگ ریسی: مثنوی در جواب تحفة العراقین خاقانی بسیار به مذاق گفته. از آن جاست. (ق ۲۳۲، س ۱۶)
۴۷. مثنوی شاهنامه/محمود بیگ سالم: از مثنوی شاهنامه... که گفته چند بیت آورده می شود. (ق ۲۴۹ ب، س ۱۱)
۴۸. مثنوی منظور انظار/رهايي هروی: مثنوی منظور انظار را که در بحر مخزن الاسرار گفته. (ق ۲۳۰، س ۱۲)
۴۹. مثنوی مولوی/رومی: (ق ۱۷۴ ب، س ۱۶)
۵۰. مثنوی مهر و وفا/محمود بیگ سالم: از مثنوی... مهر و وفا... که گفته چند بیت آورده می شود. (ق ۲۴۹ ب، س ۱۱)
۵۱. مثنوی ناز و نیاز/ذوقی سمرقندی: کتاب ناز و نیاز مشتمل بر چهار بیت در بحر خسرو شیرین گفته. (ق ۲۲۶ ب، س ۱۲)
۵۲. مثنوی یوسف و زلیخا/میر رضا علی حقیقت: مثنوی یوسف و زلیخای گفته، آنجا به ناصر علی پیچیده. (ق ۱۸۵، س ۵)
۵۳. مثنوی یوسف و زلیخا/محمود بیگ سالم: از مثنوی... یوسف و زلیخا که گفته چند بیت آورده می شود، من مثنوی یوسف و زلیخای او. (ق ۲۴۹ ب، س ۱۱)
۵۴. مثنوی یوسف یعقوب/تقی اوحدی: مثنوی یوسف یعقوب نام... هم فکر کرده. (ق ۶۰)
۵۵. مجالس امیر علی شیر: در مجالس امیر علی شیر مذکور است. (ق ۲۱۳ ب، س ۱)

۵۶. مجالس العشاق/سلطان حسین بایقرا: سلطان حسین بایقرا در مجالس العشاق آورده.
۵۷. مرآت العالم/بختاور خان: بختاور خان خواجه سرای عالمگیری در مرآت العالم می نویسد. (ق ۶۲)
۵۸. منتخب مرزا صائب: این چند شعر «حکیم حاذق» از منتخب مرزا صائب قلمی گردد. (ق ۱۸۵ ب، س ۵)
۵۹. نفحات الانس/جامی: در نفحات آمده. (ق ۲۰۶ ب، س ۵)
۶۰. هفت اقلیم/ابن احمد رازی: صاحب هفت اقلیم می نویسد که اعاجی و دقیقی معاصراند. (ق ۵۱ ب)

منابع

۱. خانلری، دکتر زهرا: فرهنگ ادبیات فارسی دری، انتشارات بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۳۴۸ ش.
۲. عشرت هندی، دُرگا داس: سفینه عشرت (خطی)، شماره ۶۹۹، گنجینه بانکی پور، کتابخانه عمومی خاورشناسی خدابخش، پتنا.
۳. گلچین تهرانی، احمد گلچین معانی بن علی اکبر (ت: ۱۲۹۵ ش): تاریخ تذکره‌های فارسی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۸ و ۱۳۵۰ ه ش، دو جلد.